



اجلاس شانزدهم جنبش عدم تعهد و تغییرات گسترده در سطح بین‌المللی

جنبش عدم تعهد که از ابتدای تشکیل قرار بود جایگاه کشورهای مستقلی باشد که تحت‌الحمايه هیچ قدرتی نیستند، طبعاً نمی‌تواند به تحولات گسترده‌ای که طی سال‌های اخیر در سطح بین‌المللی ایجاد شده است، بی‌توجه باشد.

جنبش عدم تعهد که از ابتدای تشکیل قرار بود جایگاه کشورهای مستقلی باشد که تحت‌الحمايه هیچ قدرتی نیستند، طبعاً نمی‌تواند به تحولات گسترده‌ای که طی سال‌های اخیر در سطح بین‌المللی ایجاد شده است، بی‌توجه باشد.

به گزارش فارس، شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در حالی از پنجم تا دهم شهریور ماه سال جاری در تهران برگزار می‌شود، که آخرین اجلاس این جنبش در سال 2009 در شرم‌الشیخ مصر برگزار شده بود. در فاصله همین دو اجلاس تنها توجه به حال و روز همین میزبان سابق، یعنی مصر، می‌تواند نشان دهد چه تحولات شگرفی در سطح بین‌المللی رخ داده و چه تغییرات عمده‌ای در روابط کشورهای جهان حادث شده است.

اکنون، حضور مرسی در اجلاس سران جنبش عدم تعهد به عنوان رئیس‌جمهور جدید و اسلام‌گرای مصر، خود به یکی از مهم‌ترین خبرهای رسانه‌های جهان بدل شده است. در چنین شرایطی باید اذعان کرد که اجلاس سران جنبش عدم تعهد در شرایطی در تهران برگزار می‌شود که تغییرات شگرفی در سطح بین‌المللی رخ داده و یا در حال رخ دادن است.

جنبش عدم تعهد که از ابتدای تشکیل، قرار بود جایگاه کشورهای مستقلی باشد که تحت‌الحمايه هیچ قدرتی نیستند، طبعاً نمی‌تواند به این تحولات گسترده بی‌توجه باشد. در این گزارش تلاش بر آن است که به‌طور خلاصه نسبت جنبش عدم تعهد با تحولات جدید سنجیده شود.

* جنبش عدم تعهد و بیداری اسلامی

تمام کشورهایایی که شاهد بیداری اسلامی در مرزهای خود بوده‌اند، عضو جنبش عدم تعهد هستند. مصر، تونس، لیبی، یمن و بحرین همگی از اعضای جنبش عدم تعهد محسوب می‌شوند.

در این بین، بیداری اسلامی در مصر، تونس و لیبی به‌طور کامل حکومت‌های سابق را سرنگون کرده است، در یمن نیز توانسته است علی‌عبدالله صالح را از سریر قدرت پایین بکشد اما هنوز نتیجه قطعی انقلاب مردم این کشور مشخص نیست و در بحرین نیز همچنان با مقاومت رژیم‌های آل‌خلیفه و آل‌سعود مواجه است.

عربستان که هم در بحرین و هم در مناطق شرقی خود در سرکوب انقلابیون نقش دارد، عضو جنبش عدم تعهد محسوب می‌شود هر چند تعهدش به بلوک غرب چه قبل از فروپاشی شوروی و چه بعد از آن کاملاً واضح بوده است.

جنبش عدم تعهد از همان کنفرانس باندونگ که تفکر تشکیل آن را قوام بخشید، احترام به حقوق حقه بشر را در دستور کار خود قرار داد و به نظر می‌رسد که ملزم باشد بر اساس همین اصل حق تعیین سرنوشت را برای ملل انقلابی منطقه به رسمیت بشناسد.

هرچند این موضوع با مخالفت جدی سعودی‌ها و رژیم آل‌خلیفه مواجه می‌شود، اما طبعاً باید از حقوق ملت بحرین برای برگزاری یک انتخابات آزاد در این کشور و انتخاب حکومت بر اساس رای اکثریت نیز حمایت شود.

از آنجا که در برخی موارد، گروه‌های تکفیری نیز خود را در میان جنبش‌های مردمی در خاورمیانه جا کرده‌اند، جنبش عدم تعهد می‌تواند حساب بیداری اسلامی را از گروه‌های تروریستی و تکفیری نظیر القاعده جدا کرده و با افراط‌گرایی در هر شکل آن مخالفت کند.

در مجموع حمایت گسترده جنبش عدم تعهد از انقلاب‌های مردمی در کشورهای عربی، کاملاً محتمل و مورد انتظار است.

* جنبش عدم تعهد و بحران مالی جهانی

بحران مالی جهانی تقریباً از سال 2008 شروع شده و می‌توان گفت که جهان در اجلاس پیشین عدم تعهد نیز با آن مواجه بوده است اما طی سه سال گذشته، جنبه‌های دیگری را از خود نشان داده است.

بحران مالی اخیر که از نظر وسعت و عمق فاجعه با بحران دهه 1930 میلادی مقایسه می‌شود، متعلق به نظام سرمایه‌داری است اما تمام جهان را تحت تاثیر قرار داده است. شبکه‌های اقتصادی در هم تنیده دوران سرمایه‌داری مدرن، تقریباً به هیچ کشوری اجازه نداده‌اند که از تبعات بحران اقتصادی در امان باشد.

این بحران در کشور هژمون سرمایه‌داری آغاز شده و به سرعت تمام ممالک غربی را فراگرفته و هنوز هم تبعات آن ادامه دارد. در منطقه یورو شرایط به قدری سخت شده که برخی کشورها از احتمال ترک منطقه یورو سخن می‌گویند. بسیاری از کشورهای جهان مجبور شده‌اند بودجه‌های انقباضی را در دستور کار قرار دهند و در بسیاری از موارد این سیاست انقباض اقتصادی اعتراضات مردمی را در پی داشته است.

در این میان، جنبش عدم تعهد می‌تواند تیغ تیز انتقادات خود را بابت مشکلات اقتصادی جهانی، متوجه اصل و اساس نظام سرمایه‌داری کند. نباید فراموش کرد که جنبش عدم تعهد با سودای استعمارزدایی پای به عرصه وجود نهاد و چهار بنیان‌گذار آن، همگی عقاید ضد سرمایه‌داری داشتند. در چنین شرایطی، انتقاد از اساس نظام سرمایه‌داری توسط این جنبش نباید عجیب و دور از انتظار به نظر برسد.

از آنجا که پس از فروپاشی اتحاد شوروی اکنون تنها فلسفه وجودی جنبش عدم تعهد را باید مقابله با زیاده‌خواهی‌های نظام هژمونیک بین‌المللی تلقی کرد، جنبش عدم تعهد باید صدای خود را به گوش نظام سرمایه‌داری عالم‌گیر رسانده و رسماً اعلام کند که این نظام را مسوول فجایع اقتصادی سال 2008 به بعد می‌داند.

البته در این بین برخی کشورها نظیر عربستان سعودی، قطر و امارات عربی متحده که تقریباً خود از همگامان نظام هژمونیک بین‌الملل و تابع سرمایه‌داری محسوب می‌شوند بعید است با چنین دیدگاهی همراهی کنند.

* تحولات سوریه

اصل چهارم از اصول ده‌گانه کنفرانس باندونگ بر عدم مداخله در امور سایر کشورها دلالت داشت. انتظار می‌رود که کشورهای عضو جنبش طبق همین اصل، با دخالت کشورهای غربی و برخی از کشورهای منطقه که دست‌کم دو کشور از آنها عضو جنبش هم هستند در امور سوریه و ارسال سلاح برای مخالفین حکومت سوریه از سوی این کشورها شدیداً مخالفت کرده و آن را محکوم نمایند.

همچنین با توجه به حضور گروه‌های تروریستی تکفیری نظیر القاعده در بین مخالفان مسلح حکومت سوریه، که حتی رسانه‌های غربی نیز بدان اذعان دارند، جا دارد که جنبش عدم تعهد مخالفت جدی خود را با اقدامات تروریستی این گروه‌ها اعلام کند.

این جنبش می‌تواند از حق مردم سوریه برای تعیین سرنوشت خود و اصلاحات در سوریه حمایت کند.

نکته‌ای که چندان روشن نیست این است که چرا برخی کشورها نظیر عربستان سعودی و قطر که کاملاً به ایالات متحده متعهد¹⁷¹ هستند و اصل چهارم از اصول باندونگ را آشکاراً نقض کرده‌اند، همچنان در جنبش عدم تعهد حضور دارند؟ این یک مورد، دست‌کم از ضعف‌های ساختاری در جنبش محسوب می‌شود.

* جنبش عدم تعهد و حقوق هسته‌ای ایران

خوشبختانه دفاع از حقوق هسته‌ای ملت ایران طی سال‌های اخیر، از نکات روشن و مثبتی است که در پرونده جنبش عدم تعهد ثبت شده است.

در شرایطی که غرب همواره از انزوای ایران سخن گفته است، بیانیه‌های جنبش عدم تعهد با بیش از یکصد عضو در حمایت از ایران، همچون آب یخی بوده که بر سر هژمون و نظام هژمونیک ریخته شده است.

انتظار می‌رود جنبش عدم تعهد به این نقش مثبت خود ادامه داده و قاطعانه بار دیگر حمایتش را از حق غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران در چارچوب معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، اعلام کند و در ضمن، قاطعانه با هرگونه تحریم یک‌جانبه علیه ایران و هر کشور دیگر جهان، مخالفت نماید.

جنبش عدم تعهد می‌تواند خود پیش‌قدم نقض تحریم‌های ظالمانه مزبور شده و حتی برنامه‌ای را برای معاملات تجاری گسترده با

ایران تنظیم نماید تا دست‌کم به ضعف در حمایت از اعضای خود متهم نشود.

* جنبش عدم تعهد و جابجایی قدرت اقتصادی در جهان

برخی از تحلیلگران اقتصادی بر این باورند که طی نیم‌قرن آینده، قدرت اقتصادی از مغرب‌زمین به سوی آسیا روانه خواهد شد و کشورهایی چون چین و هند جای بسیاری از کشورهای غربی را در اقتصاد جهان خواهند گرفت.

هندوستان، به عنوان یکی از اقتصادهای نوظهور از اعضای همین جنبش عدم تعهد است و در کنار چین، یکی از دو قطب بزرگ اقتصادهای نوظهور است.

هند خود از کشورهایی است که طعم سخت استعمار را در تاریخ خود چشیده است و استعمار بریتانیا در این کشور، به مثال کلاسیک استعمار در دروس دانشگاهی بدل شده است.

جنبش عدم تعهد اگر برای آینده برنامه می‌ریزد، نباید این تغییر پراختمال را در نظر نگیرد. برای کشورهایی چون چین و هند، کشورهای عضو جنبش عدم تعهد هم تامین‌کننده مواد خام محسوب می‌شوند و هم بازار مصرف و از سوی دیگر برای هند و چین این فرصت وجود دارد که با توجه به نداشتن سابقه استعماری، بسیاری از این کشورها را به حوزه نفوذ اقتصادی خود تبدیل کرده و کالاهای غربی مورد مصرف در این کشورها را با کالاهای خود جایگزین کنند.

رشد و گسترش ارتباط اقتصادی میان اعضا از یک سو و کاهش تمرکز ارتباطات اعضا از کشورهای غربی به کشورهای شرقی، از جمله مواردی است که می‌تواند در دستور کار اجلاس سران جنبش عدم تعهد باشد.

در این میان یک نکته را هرگز نباید از نظر دور داشت. هر تحولی که در نظام توزیع قدرت در جهان شکل بگیرد، مسوولیت جنبش عدم تعهد یک چیز و آن هم عدم اتکا به ابرقدرتها و اصالت نبخشیدن به قدرت است. با چنین فلسفه وجودی، هر تغییر و تحولی را می‌توان مدیریت و تفسیر کرد.

رئالیست‌های قدرت‌محور، همواره سازمان‌های بین‌المللی را ابزار دست قدرت‌های بزرگ دانسته‌اند اما وظیفه جنبش عدم تعهد این است که ابزار دست هیچ قدرتی نباشد و از استقلال کشورها حمایت کند.